

در مراسم رونمایی از پوستر دومین جشنواره ملی قصه های قرآنی «تبیین» مطرح شد

مشهد؛ ظرفیتی برای نشر مفاهیم اهل بیت (ع) با زبان قصه



نشست خبری و رونمایی از پوستر دومین جشنواره ملی قصه های قرآنی «تبیین» با حضور علیرضا معاف، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و محمدحسین زاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، در تهران برگزار شد.

در این مراسم، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره هدف این جشنواره گفت: قصه در قرآن یک مسئله راهبردی است و اگر مردم قصه های قرآن را بشنوند و بخوانند و به پیام های آن توجه کنند، ما به هدف خود از برگزاری جشنواره قصه های قرآنی رسیده ایم.

معاف همچنین از این گفت که برگزاری این جشنواره در دوسه سال قبل، بازتاب و برکات خوبی داشت و می توان با بهره گیری از این قصه و این جشنواره، بسیاری از مفاهیم را در جامعه ترویج داد. او همچنین به این نکته اشاره کرد که در سینما و تئاتر نیز با مشکل متن روبه رو هستیم و قصه و قصه گوایی می تواند در این باره کمک کننده باشد تا مفاهیم ثقیل به زبان تمثیل و ساده برای عموم مردم بیان شود. در ادامه، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، با اشاره به اینکه در جشنواره پیشین نزدیک به ۲۵۰ اثر به دبیرخانه ارسال شد، گفت: در قصه نویسی قرآنی، مرحوم آذربزدی با کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» بنام بوده گونه ای که رهبر معظم انقلاب او را تصدیق می کنند و مرحوم راستگو نیز با هنر قصه گوایی مفاهیم قرآن را تبلیغ و ترویج کرد.

به گفته حسین زاده در جشنواره پیش رو، قصه نویسی در کنار قصه گوایی آورده شده است و در ا ختامیه دو اثر به عنوان کتاب منتشر خواهد شد. او موضوع های زیارت، ولایت، ایثار و شهادت، نماز و فرزند آوری و جوانی جمعیت را به عنوان بخش ویژه این جشنواره معرفی کرد و افزود: تولیداتی متناسب با نیاز روز جامعه و برگرفته از آیات قرآنی را شاهد خواهیم بود. چند سال اخیر در حوزه نشر کتاب کودک، اقبال خوبی از سمت نویسندگان به مفاهیم قرآنی و معارف اهل بیت (ع) وجود داشته است و این جشنواره سبب می شود این مسیر با قدرت بیشتری به کار خود ادامه دهد. در مشهد با حدود ۴ میلیون جمعیت و مهاجران افغانستانی و حدود ۳۰ میلیون زائر داخلی و خارجی، فرصت و ظرفیت بسیار خوبی برای نشر معارف اهل بیت (ع) به شکل های مختلف وجود دارد، چنان که کتاب فروشی های اطراف حرم که وابسته به آستان قدس رضوی هستند، اعلام کردند سال گذشته بیش از ۳ میلیون نسخه کتاب به وسیله زائران خریداری شده است.

فرهنگ، مدیر دلسوز می خواهد

علیرضا حیدری

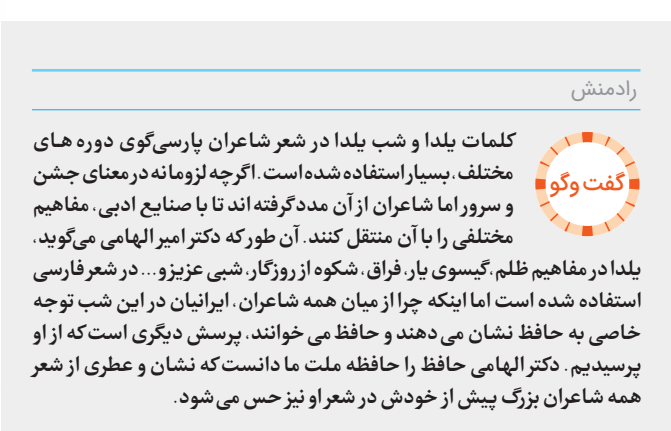
چندی پیش جلسه ای در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد برگزار شد برای اسبداشت زبان فارسی. انگیزه نشست، پیگیری همان قانون ممنوعیت به کارگیری واژه ها و اصطلاحات بیگانه بود که نزدیک به سی سال از تصویبش می گذرد و همچنان با دشواری هایی برای اجرای دقیق روبه رو ست، اما در این جلسه نکته ای گفته شد که دلیلی برای نوشتن این یادداشت شد و آن نکته این بود که مدیر کل فرهنگ و ارشاد گفت پیشنهاد کرده ایم در زیر تابلوهای فرعی خیابان هایی که به نام بزرگان شعر و ادبیات زینت یافته است، بیتی از این شاعران نوشته شود. این کار باعث می شود دست کم چند بیت از آن ها در ذهن جامعه به یاد بماند و راهی برای آشنایی بیشتر با این مفاخر باشد.

این نکته مرا به یاد خاطراتی انداخت که بی ربط به این موضوع نیست. به یاد دارم در اوایل دهه هفتاد بود که در روزنامه خراسان بودم، همکارم به میدان فردوسی مشهد رفت و از مردم پرسید که آیا صاحب این تندیس را می شناسند و آیا تا به حال به آرامگاه او سری زده اند. پاسخ ها شگفت انگیز که نه، تأسف بر انگیز بود! یعنی حتی بودند افرادی که نمی دانستند تندیس شکوهمند این میدان، همان فردوسی بزرگ، سراینده اثری جهانی است به نام شاهنامه! سال ها بعد سیمای جمهوری اسلامی در سالروز درگذشت جلال آل احمد به خیابان جلال در تهران رفت و از رهگذران درباره کیستی جلال می پرسید و باز هم پاسخ ها عجیب بود و در این میانه پاسخ یی عجیب تر شنیدم که هنوز در یاد من مانده است: فردی پاسخ داد جلال آل احمد از میراث فرهنگی ایران باستان است! شبیه این گزارش ها فراوان کار شده است و مثلاً افراد و رهگذرانی پرسیده اند که بیتی از فلان شاعر بگوئید و درمانده اند. ایراد و اشکال به کجا بر می گردد؟ تردیدی نیست که کم کاری های فرهنگی و سستی نهادهای مسئول دلیل اصلی آن است. در نگاه کلان فرهنگی و در سند های بالادستی کشور همیشه نقد های درخور توجهی به مدیریت و مهندسی فرهنگی شده است؛ اما در اجرا و عمل چنان سستی و اهمال وجود دارد که هیچ گاه این راهبردها خواست مورد نظران سند های بالادستی و کلان را برآورده نکرده است.

در نقشه مهندسی کشور آشکارا به «تعمیق خودباوری ملی و پاسداشت میراث های ارزشمند ایرانی اسلامی و توسعه و ترویج زبان و ادبیات فارسی» اشاره شده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی، در ۱۳۶۶ اساننامه جدید «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» را تصویب کرد و متممی در ۱۳۷۳ به آن افزود و بر معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه فرهنگ، دانش، هنر و تمدن ایران و اسلام تأکید کرد. تقریباً در همه برنامه های اول تا هفتم توسعه این موضوع ها دیده شده است؛ اما آنچه در عمل اتفاق می افتد تقریباً هیچ است. بهائندان به مفاخر علمی و ادبی راهی نمی توان در میزان شناخت مردم از این شخصیت ها جست و کم کاری مسئولان فرهنگی و هزینه نکردن بودجه هایی درخور برای این اهداف را عامل مهم دانست. البته این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که مدیر فرهنگی خود باید فرهنگی باشد و دغدغه او توسعه فرهنگ، اگر این دلسوزی در مدیران نباشد، قانون ها و بخش نامه ها چندان کارساز نیست. باید دل در گرو فرهنگ این مریزوم داشت و عشق به میراث فرهنگی تا موانع و کاستی ها به مدد کوشش دلسوزانه و آگاهانه و از سر دل بستگی به ایران هموار شود.

یلدا در شعر فارسی و چرایی حافظ خوانی در این شب در گفت وگو با دکتر امیر الهامی

یلدا؛ آفتابی در امتداد شب



● **شب یلدا از چه زمانی در شعر شاعران پارسی گوی راه پیدا کرد؟**
شب یلدا با مفاهیم تاریکی، ظلمت و گاه در مفاهیم استعاره ای، دوری و فراق یار، گیسوی یار و مانند این در ادبیات ما ریشه دارد. تاکید کنیم به این مهم که از آغاز پیدایش ادبیات فارسی تا پایان قرن پنجم هجری و در دوره های بعد، هنگامی که از شب یلدا صحبت می شود، بحث جشن مطرح نیست. آنچه از یلدا در ادبیات ما و تقریباً قبل از قاجار هست، بیشتر آن مربوط به سیاهی و تیرگی شب یلداست و یلدا در شعر ما اگر آمده است، بیشتر با این موضوع آن را می بینیم. این رویکرد جشن به یلدا که در سطح گسترده می بینیم، در ادبیات کهن ما خیلی کمتر مطرح می شود. در گذشته مراسم یلدا بیشتر یک نشست خانوادگی بوده است و این تجلی و آب و رنگی که ما امروز به آن می دهیم، در گذشته نبوده است و شما غالباً یلدا را با بن مایه تیرگی و سیاهی در شعر فارسی می بینید.

● **همان طور که گفتید، یلدا در شعر فارسی بر مفاهیم مختلفی دلالت دارد. در این باره کمی بیشتر توضیح می دهید؟**
دکتر شفیع یکنکتن معتقد است از آغاز ادبیات تا دوره های بعد، شعر از پشتیبانی درباره برخوردار بوده است. تقریباً زمان حمله مغول، شعر پشتیبانی درباره را داشته است و این پشتیبانی مشوق اصلی شاعران درباره بوده و زندگی مردم عادی برای این شاعران ارزش نداشته است. همان طور که گفتم، جشن یلدا جشن نبوده است که حکومت پشتش باشد، مردم هم نه با ساز و کار و رنگ و لعاب امروز که با یک دورهم نشینی

ساده به آن پرداخته اند، بنابراین اگر ما در ادبیات فارسی به جشن بودن این شب اشاره نمی کنیم و حتی آن گدعه ها و نشست های خانوادگی در آن نیست، به این دلیل است که درباره چنین چیزی را تبلیغ نمی کردند و شاعران هم به تبع انعکاسی از این شب در شعر خودشان نداشته اند. مضامینی که در ادبیات فارسی برای شب یلدا مطرح شده است، هیچ کدامش با مفهوم جشن و سرور و شادمانی ارتباط ندارد و از یک نظر شب یلدا را با مفهوم سیاهی و تیرگی در ادب فارسی می بینیم که حالا این سیاهی و تیرگی می تواند شکوه ای از ایام یا مباحث مربوط به فراق یار باشد.

حافظ می سراید؛ صحبت حکام ظلمت شب یلداست / نور ز خورشید جوی، بو که برآید سعدی می گوید؛

نظر به روی تو هر بامداد نوروزی است / شب فراق تو هر شب که هست، یلدایی است یا امیر معزی، روزگار را این گونه در شعر وصف می کند؛

تو جان لطیفی و جهان، جسم کثیف است / تو شمع فروزانی و گیتی شب یلدا گیسوی معشوق و سیاهی و بلندی آن نیز در ادبیات ما بازتاب یافته که باز با شب یلدا مقایسه شده است، پس ساخت دیگر مفهوم یلدا یا گفتمان یلدا در شعر شاعران پارسی گوی، پیوندی است که با گیسوی معشوق دارد؛ مثلاً عبید زاکانی می گوید، ای لعل لبث به دلنوازی مشهور؛ وی روی

است و با این نگاه شعر گفته اند. مثلاً ناصر خسرو می گوید؛ آه ما رعنا تر است از آه ماتم دیدگان / آن چنان کز جمله شب ها، شب یلدا یکی است

در تمام این مفاهیم، تأکید می کنم بحث جشن و شور و شادی یا مفهومی که مبارکی شب یلدا در آن باشد، مطرح نیست. در شعر معاصر باز مفاهیمی آمده است که متناسب با رویکردهای معاصر است؛ مثلاً هوشنگ ابتهاج شب یلدا را روز زندان می داند؛

ای سایه سحر خیزان دلواپس

خورشیدن! / زندان شب یلدا بگشایم و بگیریم

● **چرا ایرانیان در این شب سب راغ حافظ می روند نه سراغ شاعری دیگر؟ در شعر حافظ چه ویژگی ای وجود دارد که سبب اقبال مردم به او در این شب شده است؟**
حافظ، حافظه مردم ایران است. به عبارتی شکوه و بالندگی و رشد چهار قرن ادبیات قبل از حافظ در شعر حافظ متجلی شده است. از این نظر می گویم چهار قرن قبل که سال ۲۲۹ هجری سال فوت رودکی است و نخستین دیوانی که ما داریم، از اوست، پس نیمه قرن چهارم را آغاز رشد و بالندگی ادبیات می دانم. از زمان رودکی تا عصر حافظ، جلوه همه شاعران و تجلی اندیشه همه شاعران در شعر حافظ هست. رودکی اگر کلامی گفته است، شمان را در شعر حافظ می بینید؛ مثلاً رودکی می گوید؛

بو ی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی حافظ در شعر خودش می گوید؛ خیز تا خاطر بیدان ترک سمرقندی دهیم / کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی یا اگر در شعر فارسی، لیلی و مجنون و خسرو و شیرین را داریم، این ها در شعر حافظ هست. حافظ بارها به طرق مختلف از آن ها استفاده کرده است، جهان پیرا است و بی بنیاد از این فرهادکش فریاد؛ که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم

حتی حافظ از عاشق و معشوقی که اسمشان در ادبیات ما نیست، به صورت ایهام وار استفاده می کند که نشان از تسلط او دارد؛

اورنگ کو، گلچهر کو، نقش وفا و مهر کو /

حالی من اندر عاشقی داو تمامی می زنم که نشان می دهد به اورنگ و گلچهر و مهر و وفا در ادبیات ما اشراف داشته است. فردوسی و شاهنامه او در شعر حافظ تجلی خاص دارد؛ هم به لحاظ سمبلیک و نمادین، هم به لحاظ استفاده از نام اشخاصش. می گوید؛

شاه ترکان فارغ است از حال ما، کو رستمی؟ از این دست بسیار در شعر حافظ هست. او می بینیم، (که موضوع پایان نامه من در دوره فوق لیسانس، تأثیر مثنوی های عطار بر غزلیات حافظ بود). به عنوان نمونه، داستان شیخ صنعان در شعر حافظ در یک غزل کاملاً نقش بسته است؛ دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیرما / چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما؟ شخصیتی که به عنوان دیوانه در آثار عطار همه حرفی می زند، می آید در شعر حافظ می شود «رند» و حافظ در مفهوم رند یک دگردیسی ایجاد می کند. یک پیچگردانی می بینیم که با این رند ایجاد شده است. تاریخ بیهقی رندا و باش است، اما در شعر حافظ نمی دانیم این رند کیست. از یک طرف ولی است، از طرفی آگاه به همه چیز است؛ به همین دلیل می گویم که حافظ، حافظه ملت ماست. اگر شاهنامه فردوسی جلد اول تاریخ فرهنگی ایران ما باشد، دیوان حافظ بی تردید جلد دوم آن است و مردم در این شب با حافظ خوانی خودشان، باز همان مفهوم اشتراک و اتحاد جامعه ایرانی را به عنوان جامعه ای که اقوام و قبایل مختلف در آن زندگی می کنند، در حافظ خوانی ها بروز می دهند.

مرتضی عنایتی

اصل یک رسانه نوظهور

مفهوم کد انتقالی درد و بافت معنا پیدا می کند. اول در علم رایانه و دیگری در ادبیات الکترونیک که ابداع مانوویچ، از نظریه پردازان هوش مصنوعی، است برای توضیح هجرت ایده ها، مصنوعات و پیش فرض ها از لایه فرهنگی به لایه رایانشی. مانوویچ، برای یک رسانه نوظهور پنل اصل را در نظری می گیرد. ابتدا اینکه بر پایه نمایش باینری است. به این معنا که چیزهایی که مشاهده می کنیم همه بر پایه کدگذاری و صفرو یک است. دوم ما زو لار بون به این معنا که مشکل از تکه های جداگانه ای است با هویت مستقل. ویژگی سوم خودکارسازی است، چون اساساً ماهیت محاسباتی و ساختار لایه لایه برخوردار است. از تغییر پذیری می توانیم به عنوان یکی دیگر از اصول این رسانه نام ببریم که از تغییر پذیری عناصر سخن می گوید و اینکه عنصر ثابتی در رسانه دیجیتال وجود ندارد. پنجمین و آخرین اصل کد انتقالی است. این اصل می گوید رسانه جدید د لایه دارد. لایه رایانه و لایه فرهنگی. در این رسانه فرایند به گونه ای است که فرهنگ توسط منطق رایانه تغییر می کند و آن را شکل می دهد. مقولات و مفاهیم فرهنگی، در سطح معنا و زبان، با عبور از لایه عموماً کلامی به لایه رایانشی با مقولات جدیدی جایگزین می شود که از هستی شناسی، معرفت شناسی و عمل گرایی رایانه مشتق می شوند. درباره فرایند کلی تبدیل ایده ادبی به اتفاقی رایانشی نیز باید بگوئیم که شامل مراحل زیر است: سنجش ایده با سواد دیجیتال، اندیشیدن با سواد دیجیتال، نوشتن ایده به رمزگان زبان های برنامه نویسی، دستوردهی به رایانه برای اجرای ایده نوشته شده. تبدیل رمزگان اجرایی به بیت های حاوی صفرو یک، انجام محاسبات بر مبنای بیت ها و پیگیری ایده و خروجی گرفتن بر یک سیل.



نکته اشاره می کند که در این آثار، خواننده دیگر خواننده یک اثر چاپی نیست. در مقابل، اینجا با مفهومی به نام کاربر ساییری طرف هستیم، چون متن ادبی الکترونیک نیز یک متن فقط خواندنی نیست.

در واقع چندین جریان هم زمان به فرد یورش می آورد و اساساً نوع توجهی که کاربر دارد نیز متفاوت است با خواننده متون چاپی. بعد پنجم «انتشار» است؛ به این معنا که به جز در رسانه هایی که امکان برنامه نویسی دارند، قابلیت اجرا ندارد و چه در مرحله خلق و چه در مرحله انتشار، نیازمند کدگذاری است. از آخرین ویژگی و آخرین بعد یک اثر ادبی الکترونیک، می توانیم با عنوان «تفسیر» یاد کنیم. منظور از تفسیر این است که برای درک یک اثر ادبی الکترونیک به سواد الکترونیک احتیاج داریم و در قدم بعد، اگر بخواهیم آن را بررسی و پژوهش کنیم، نیاز به این سواد الکترونیک بیشتر هم می شود و حتی به اندیشیدن به صورت دیجیتال نیاز دارد.

می شود؟ بنیادی ترین ویژگی چنین اثری این است که بومی دیجیتال است؛ به این معنا که بدون اثر رایانشی امکان خلق شدن ندارد. با توجه به این ویژگی می توانیم از «تکوین» به عنوان اولین بعد این مفهوم صحبت کنیم. بعد دیگر یک اثر ادبی الکترونیک، «بافتار» آن است. به این معنا که یک اثر ترکیبی است و کلمه تنها رسانه این نوع ادبیات نیست. تصویر، موسیقی، موشن، نقاشی و... همه در هم آمیخته می شود و یک بافتار چند رسانه ای را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، می توانیم بگوئیم یک متن ادبی الکترونیک، بازار مبادله رسانه ها با یکدیگر است. از «ساختار» باید به عنوان بعد دیگر ادبیات الکترونیک نام برد. چنین اثری اغلب خصلتی تعاملی دارد و مخاطب این آثار می توانند در خلق آن سهیم باشند یا آن را شکل دهند. در همین راستا، بازی پذیری را نیز باید یکی از ویژگی های شاخص این قبیل آثار ادبی دانست، چون مرز باریکی بین بازی و این اثر ادبی الکترونیک وجود دارد. «خواندن» به عنوان بعد چهارم، به این

● **عاطفه عطری:**

۵ بعد یک متن ادبی الکترونیک

منظور از ساییرمتن، متنی ادبی است که به جای کاغذ در صفحه نمایش گوشی یا لب تاپ نمایش داده می شود و یک شبکه مفهومی را حول خود شکل می دهد که ابعاد مختلفی دارد. اما چه ابعاد ی؟ یک اثر ادبی الکترونیک چگونه و در چه فضایی خلق